

همایش «کشورهای خاورمیانه و

آسیای مرکزی - روابط چندجانبه»

در روزهای ۲۳-۲۲ مهرماه ۱۳۷۸، همایشی تحت عنوان «کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی - روابط چندجانبه» و با همکاری مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، انستیتو ابوریحان بیرونی و مرکز مطالعات آسیای مرکزی فرانسه در تاشکند برگزار گردید. در سمینار یادشده پژوهشگرانی از کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه، قزاقستان، ازبکستان و ایران شرکت داشتند.

آنچه در پیش‌رو دارید فشرده‌ای از مطالب مطروحه در سمینار مذکور می‌باشد.

پنجشنبه ۲۲ مهرماه ۱۳۷۸ - جلسه اول

نخستین جلسه به علت بروز برخی ناهماهنگی‌ها، با قدری تأخیر آغاز شده؛ به ترتیب آقایان دهنوی کاردار موقت سفارت کشورمان در ازبکستان، خانم سان‌تولینی رایزن فرهنگی سفارت ایتالیا، آقای خیرالله‌یف رئیس انستیتو ابوریحان بیرونی، آقای فورنیه مدیرمرکز مطالعات آسیای مرکزی فرانسه در تاشکند، آقای فراگنر محقق آلمانی، آقای دکتر عراقچی مدیرکل سابق دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و خانم دانیالی‌اوا محقق انستیتو ابوریحان بیرونی سخنرانی نمودند. کاردار موقت کشورمان در ازبکستان از طرف سفیر جمهوری اسلامی ایران مطالبی را بیان داشته، بر اهمیت تمدن و فرهنگ ایرانی در شناخت تحولات گذشته و حال منطقه تأکید کرد. گفتگوی بین‌تمدنی نیز از دیگر مواردی بود که در چارچوب گفتگوی تمدن‌ها مورد اشاره قرار گرفت.

خانم سان‌تولینی نیز در سخنرانی خود به برقراری روابط علمی بین مؤسسات تحقیقات ایتالیایی با مراکز مطالعاتی ازبکستان پرداخت. آقای خیرالله‌یف رئیس انستیتو ابوریحان بیرونی ابتدا به سهم زبانهای ترکی، فارسی و عربی در تحولات فرهنگی منطقه اشاره کرده، اعلام داشت که ازبکستان پس از استقلال سرگرم تدوین تاریخ واقعی کشور

می‌باشد. وی روابط آسیای مرکزی و خاورمیانه را کاملاً قدیمی خوانده و گفت که کشورهای آسیای مرکزی در دورهٔ رنسانس تأثیر عمیقی بر تمدن جهانی گذاشته‌اند.

آقای فورنیه مدیر مرکز مطالعات آسیای مرکزی فرانسه در تاشکند نیز ضمن تشکر از مشارکت فعال دفتر مطالعات و انستیتو ابوریحان بیرونی در برگزاری سمینار، به مشکلات موجود در امر تاریخ‌نگاری پرداخت و گفت که مورخ باید در برابر جامعه خود بسیار احساس مسئولیت کند و سفر به ژرفای تاریخ، سفر جالب و در عین حال مشکلی است. سخنرانی بعدی آقای برت فراگنر محقق آلمانی بود. وی مطالب خود را با به‌کارگیری مفاهیمی مانند «دوره‌های طولانی»، «طرز تفکر مشترک» و «خاطرات فرهنگی» برگرفته از برودل مورخ فرانسوی آغاز کرد. وی در ادامه گفت:

در طول قرن ۲۰ ایران جزو «خاورمیانه» به‌شمار می‌رفت و می‌رود و ازبکستان بخشی از آسیای مرکزی. در حالی که وقتی به نقشه‌های جغرافیایی نظر می‌افکنیم، درمی‌یابیم که شهرهایی مثل مشهد در ایران، هرات و بلخ در افغانستان، مرو در ترکمنستان و بخارا و سمرقند از نظر جغرافیایی به یکدیگر نزدیک‌ترند تا مناطقی مثل مشهد و تبریز.

وقتی که در مصر و امپراتوری عثمانی سیستم کشوری از حالت قبیله‌ای به سیستم اداری تغییر می‌یافت در آسیای مرکزی و ایران چنین نبود و دو منطقه اخیرالذکر در داشتن سیستم قبیله‌ای مشترک بودند. هم‌چنین این دو منطقه در ساختار اجتماعی - اقتصادی خود در زمینه‌های متعددی قابل مقایسه و همساز می‌باشند. زمینه‌های دیگری از قبیل پیشینه اسلامی مشترک، ارزشهای مشترک در اخلاقیات، ادبیات، معماری و هنرهای زیبا نیز در مناطق یادشده را می‌توان به بحث قبلی افزود. سخنران پس از ذکر تاریخچه بسیار مختصری از ایران باستان به بررسی رقابت سلسله هلاکوئیان و چغتائیان برای سلطه بر خراسان بزرگ پرداخت.

سخنران بعدی آقای دکتر عراقچی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی بود که ضمن اشاره به مشترکات تاریخی و عقیدتی و فرهنگی ماوراءالنهر و ایران، از مسیر تاریخی ابریشم یاد کرد که از دیرباز روابط اقتصادی ماوراءالنهر را از طریق ایران با خاورمیانه و غرب فراهم می‌ساخته و از روحیه تسامح به عنوان عامل مهمی یاد کرد که به تداوم و افزایش روابط اقتصادی کمک می‌نمود. وی در پایان با ذکر این مطلب که مشکلات بالفعل و بالقوه منطقه



حاصل سیاست‌های خاص و بعضاً تحمیلی می‌باشد و ریشه در ادوار شکوفایی اقتصادی ایران و ماوراءالنهر ندارد، ابراز امیدواری کرد که کلیه واحدهای سیاسی منطقه با نگرش به سوابق و نتایج ارتباطات اقتصادی و فرهنگی گذشته و تجارب موجود و به دور از تعصبات قومی، گام‌های مهمی برای تحقق اهداف نوین در حوزه روابط ایران و ماوراءالنهر بردارند.

آخرین سخنران جلسه اول خانم داتیا ولی‌اوا محقق انستیتو ابوریحان بیرونی، سخنرانی خود را تحت عنوان «مطالعه کشورهای خاورمیانه در ازبکستان» ارائه داد. ایشان ضمن بازگویی تاریخچه بخشهای مختلف خاورشناسی در دوران ترکستان تا تأسیس انستیتو ابوریحان بیرونی، به شرح پاره‌ای از نسخ خطی محفوظ در انستیتو یادشده پرداخت.

جلسه دوم

در این جلسه به ترتیب دکتر بلین جری از دانشگاه ونیز و دکتر میشل برناردین از انستیتو مطالعات شرق در ناپل هر دو از ایتالیا به سخنرانی پرداختند.

دکتر بلین جری سخنرانی خود را تحت عنوان «روابط میان خاورمیانه و آسیای مرکزی» براساس آرشیو ونیز ارائه داد. خلاصه سخنرانی ایشان به شرح ذیل بود:

اطلاعات موجود در خصوص منطقه در آرشیو ونیز کاملاً مختصر است. علاقه‌مندی ونیز به این منطقه بیشتر ناشی از احساس خطر بوده که با برطرف شدن آن، علاقه ونیز نسبت به منطقه کمتر می‌شود. آشنایی ونیزیان با کشورهای آسیای مرکزی به‌طور مستقیم نبوده بلکه آنان شاهدانی بودند که از خاک ایران به منطقه می‌نگریستند.

دومین و آخرین سخنران جلسه دوم آقای میشل برناردین از انستیتوی مطالعات شرق ناپل بود که سخنرانی خود را تحت عنوان «کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی در تاریخ‌شناسی اروپایی نیمه دوم قرن ۱۸» ارائه داد. ایشان در سخنرانی خود ضمن معرفی پاره‌ای از منابع ایتالیایی در این خصوص اظهار داشت که آشنایی اروپاییان با آسیای مرکزی از زمان چاپ کتاب عجایب‌المقدور ابن‌عربشاه در اروپا (که در قرن ۱۷ انجام شد) روبه فزونی نهاد و مطالعات افرادی همچون دگین آن را بارور ساخت.



جلسه سوم

تنها سخنران این جلسه آقای بحرالالدین سَناناف معاون انستیتو ابوریحان بیرونی بود که مطالب خود را تحت عنوان «تاریخچه مناسبات سفارتخانه‌ای آسیای مرکزی و ایران» ارائه داد. نامبرده ضمن اشاره به تبادل سفرای سیاسی بین خانات بخارا و خیوه و شاهان ایرانی، سعی داشت برقراری مستمر روابط بین دوطرف را اثبات نماید. اختلاف بین ایران و امارات سه‌گانه آسیای مرکزی در نیمه اول قرن نوزدهم و عدم برقراری اتحاد بین سه‌خان‌نشین در برابر خطر پیشروی روسیه از جمله موارد دیگری بود که آقای سَناناف در سخنرانی خود به آنها پرداخت.

۲۳ مهرماه ۱۳۷۸ - جلسه چهارم

در این جلسه به ترتیب آقای محسن جعفری مذهب از کتابخانه ملی ایران، خانم ثریا کریموا از انستیتو ابوریحان بیرونی و خانم دکتر کولایی از دانشگاه تهران سخنرانی کردند. آقای جعفری مذهب مطالب خود را تحت عنوان «عوامل اقتصادی جدایی ایران و توران» ارائه نمود. نامبرده معتقد بود که در ۵۰۰ سال گذشته ارتباط سالم سیاسی بین ایران و توران وجود نداشته، معاهدات دوجانبه بیشتر به آتش‌بس و ترک مخاصمه مربوط می‌شده است و به‌رغم نیازمندی‌های اقتصادی طرفین به همکاری، به دلایل ذیل اینگونه نشد:

۱. ناامنی راه ایران به بخارا و رونق یافتن راه هرات و بلخ؛
 ۲. استفاده از راههای جدید آبی و زمینی که نیاز ایران و توران را به یکدیگر کم‌رنگ می‌ساخت؛
 ۳. ایجاد راه آهن ماورای خزر توسط روسیه که راه آبی دریای خزر را به مشهد و بخارا متصل می‌نمود؛
 ۴. ایجاد روابط جدید اقتصادی در جهان که بازرگانی سنتی را به خطر می‌انداخت و مباحثی چون گردش پول، بانکداری، اعتبارات و ... به دلایل مذهبی مورد توجه و عنایت مسلمانان قرار نمی‌گرفت.
- خانم کریموا نیز تحت عنوان «روابط علمی میان کشورهای خاورمیانه و آسیای



مرکزی در زمینه پزشکی» سخنرانی کرده، در چارچوب ارتباطات علمی در منطقه به معرفی پاره‌ای از کتب و نسخ مربوط به علم طب موجود در انستیتو ابوریحان بیرونی پرداخت. خانم دکتر کولایی به‌عنوان آخرین سخنران مطالب خود را تحت عنوان «هم‌تکمیلی فرهنگی دو سوی جیحون» مطرح ساخت. سخنران پس از اشاره به نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در آسیای مرکزی طی دوران مختلف گفت که پس از حاکمیت ترکان بر ماوراءالنهر نوعی تعامل عمیق فرهنگی میان فرهنگ ایرانی - اسلامی و ترکی در طول قرون متمادی شکل گرفت؛ ازجمله تأثیر نفوذ فرهنگی اویغورها در مینیاتورهای ایرانی قابل ذکر می‌باشد. ولی بتدریج با نفوذ روسیه در منطقه مورد بحث و نیز با بروز انقلاب اکتبر و تلاش روس‌ها برای ساختن انسان جدید شورویایی پیوند فرهنگی بین دو منطقه قطع شد.

خانم دکتر کولایی در پایان ضمن پرداختن به ظهور پدیده طالبان، فرصت‌طلبی برخی از کشورها را عاملی برای تهدید صلح و ثبات منطقه خوانده، لزوم همکاری کشورهای منطقه را جهت برطرف ساختن تهدید یادشده ضروری دانست.

جلسه پنجم

آخرین جلسه سمینار به ارائه یک رشته سخنرانی‌های کوتاه اختصاص داشت که در ادامه به بحث و تبادل نظر میان شرکت‌کنندگان در سمینار تبدیل شد.

در این جلسه ابتدا آقای سام‌یایف از قزاقستان روابط میان آسیای مرکزی و کشورهای خاورمیانه را در قرون ۱۸ و ۱۹ مورد بررسی قرار داد و ازجمله به اختصار به زوایایی از تاریخ بخارا و خوقند پرداخت. سخنران بعدی آقای بوریس کوچنف از ازبکستان بود که در باب سکه‌شناسی و اهمیت آن در شناسایی تاریخ منطقه مطالبی را بیان داشت.

آقای شیرعلی توردیف از ازبکستان دیگر سخنران جلسه در باب نحوه توزیع و تأثیر پاره‌ای از نشریات فارسی زبان در آغاز قرن ۱۹ در منطقه مطالبی را بیان نمود و بالاخره با مطالبی که توسط آقای مدرحیم‌اف در باب مینیاتورهای دوره تیموری ارائه گردید، سخنرانی‌ها به پایان رسید و اوقات باقی‌مانده نیز به پرسش و پاسخ سپری شد. مطالب مختلف و متنوعی که توسط آقای برت فراگنر مطرح گردید، حسن‌ختامی بر این سمینار بود.



چند نکته

۱. اعضای هیأت ایرانی شرکت‌کننده در سمینار عبارت بودند از: آقای دکتر عراقچی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، خانم دکتر کولایی عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، آقایان جعفری‌مذهب و بیات محقق آزاد و آقای چرمی از دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲. مذاکرات مربوط به برگزاری همایش مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و انستیتو مطالعات آسیای مرکزی فرانسه در تاشکند به یک سال و نیم قبل باز می‌گردد که پس از مذاکرات متعدد و براساس توافق به‌عمل آمده، همایش با همکاری دو مؤسسه مذکور و انستیتو ابوریحان بیرونی برگزار شد.

۳. آقای دکتر عراقچی در حاشیه سمینار به ترتیب ملاقاتهایی با آقایان مظفر خیرالله‌یف رئیس انستیتو ابوریحان بیرونی، رفیق سایفولین رئیس انستیتو مطالعات استراتژیک وابسته به ریاست جمهوری ازبکستان و فورنیه مدیر مؤسسه مطالعات آسیای مرکزی فرانسه در تاشکند به‌عمل آمد و هم‌چنین ضمن دیدار از اتاق ایران در دانشگاه شرق‌شناسی تاشکند با اساتید زبان فارسی دانشگاه مذکور به تبادل نظر پرداخت. در پایان، متن سخنرانی جناب آقای دکتر عراقچی به‌نظر خوانندگان می‌رسد:

پژوهشگاه مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بسیار جای خوشوقتی است که به همت همفکران و دوستان نیک اندیش چنین نشست‌هایی برپا گردیده است تا گروهی از نخبگان و اندیشمندان با بررسی مسائلی چند در زمینه مناسبات ایران و ماوراءالنهر گامهای نوینی را برای نزدیکی بیشتر دلهای جوامع مختلف این منطقه حساس که با یکدیگر قدر اشتراک بسیار دارند، بردارند و از این تتبع و بررسی نتایج مفیدی بدست آورند. با نظری اجمالی به پیشینه تاریخی منطقه ماوراءالنهر و مطالعه سوابق فرهنگی و اجتماعی ساکنین آن به خوبی روشن میشود که این خطه حساس از قاره آسیا، از قدیم‌الایام از مراکز درخشان مدنیت بوده و مردمان آن در اعتلای علمی - فرهنگی و اقتصادی جهان نقشی پُررنگ و چشمگیر داشته‌اند.

امروز این منطقه از لحاظ تشکیلات سیاسی و اداری، واحدهای مشخص و جدای از هم هستند. اگر خوب بررسی و دقت به عمل آید این کشورهای جدا و مستقل در حقیقت یک واحد عظیم فرهنگی، تمدنی و اقتصادی تحت نام و عنوان ماوراءالنهر یا به گفته غربیان آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهند. مردم این منطقه، با زندگی خاص خود، دارای مشترکات تاریخی و عقیدتی - فرهنگی بوده و ارتباط اقتصادی عمیق با همدیگر داشته‌اند. همین ارتباط موجبات نزدیکی آنان را با سکنه بخشهای خاوری و باختری آسیا به ویژه ایران که خود با مردم ماوراءالنهر اشتراکات تاریخی و فرهنگی بسیار دارد، فراهم آورده است. از قدیم‌الایام روابط اقتصادی راه مراودات این ناحیه را با شرق دور، و از طریق ایران، با خاورمیانه و غرب دور باز نموده است. مسیر معروف تجاری موسوم به راه ابریشم و باز نگاهداشتن این مسیر، خود سندی گویا از تلاشهای مردم ماوراءالنهر برای حفظ این روابط اقتصادی می‌باشد. ایران نیز با ایجاد تسهیلات ایاب و ذهاب کاروانها و تأمین امنیت آنها همواره مشوق ارتباط اقتصادی ماوراءالنهر با غرب بوده است. گفتنی است عامل مهمی که به تداوم و افزایش این روابط اقتصادی کمک می‌کرد روحیه تسامح و اجتناب از تعصبات جاهلانه بود که آثار فرهنگی موجود در آسیای مرکزی گویای آن است. به هر روی، رونق اقتصادی و شکوفایی فرهنگی ماوراءالنهر و ایران در ادوار گذشته ثمره این مساعی بود. اما به مصداق متأسفانه همین توان اقتصادی و ثروت روزافزون که به برکت امنیت راهها و دائر بودن خطوط ارتباطی مستقیم و منظم حاصل شده بود، چشم طمع قدرتهای سودجو را باز و متوجه این ناحیه نمود. اگرچه گفته شد که ماوراءالنهر خود به واحدهای مختلف تقسیم شده است و هر کدام دارای نامی خاص و دولتی مستقل هستند، ولی قدر جامع همه آنها و نیز ایران، نقطه‌ای روشن و مشخص است که همانا توسعه اقتصادی و بهره‌برداری از منابع طبیعی در محیطی آرام از طریق حسن همجواری، گسترش روابط تجاری - فرهنگی و استفاده از راههای مواصلاتی مناسب و امن می‌باشد. بدیهی است که توجه به توسعه اقتصادی و تلاش در این راه، خود مستلزم دوری از تعصبات جاهلانه و امور تفرقه‌افکن می‌باشد. صرف‌نظر از تجربیات گذشته دور، بررسی وقایع چهار سده اخیر ماوراءالنهر و ایران نیز مؤید این امر است. مضافاً اینکه بر آگاهان پوشیده نیست که این نواحی در دوران مذکور از تغییر مسیر سنتی تجارت با چه دشواری‌هایی مواجه شده‌اند.

در این رابطه کشیده شدن پای قدرتهای بزرگ به منطقه و سیاستهای آنها برای بهره‌برداری از منابع ثروت آن، خود موضوعی بسیار مهم، پیچیده و قابل بررسی است. این رویکرد قدرتهای بزرگ خود باعث دوری جوامع منطقه و برخوردهای سیاسی و نظامی شده، و تمهیدات آنها ساکنین منطقه را در مسیری خاص قراردادده باشد. چه بسا برای استیلا و در انقیاد در آوردن ملل منطقه به پاره‌ای از اختلافات عقیدتی دامن زده شد تا در موقع مقتضی از آنها بهره‌برداری به عمل آید؛ و همین توجه سیاسی قدرتها موجب گردیده که در گذشته با اعزام افراد کارگشته و کاردان جهت بررسی‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی در منطقه و بالمآل بهره‌برداری، زمینه‌های سوءظن و برخوردها فراهم شده باشد. خصوصاً اینکه به خوبی آگاهیم که سفر نامه‌ها و آثار این قبیل فرستادگان بخشی از منابع تحقیقاتی و سرچشمه‌های آگاهی‌های قومی، ملی و عقیدتی را در ماوراءالنهر و ایران تشکیل میدهد. منابعی که مشحون از وجوه تفارق اقوام و آراء در منطقه است؛ آثاری که در آنها وجوه اشتراک مردم ماوراءالنهر با یکدیگر و نیز با مردم ایران نادیده انگاشته شده است. باید توجه داشت که حتی امروز که ملل جهان بیدار و آگاه شده‌اند از نتایج سوء این قبیل القائات مصون نیستند. خوشبختانه دولت جمهوری اسلامی ایران، کشوری که خود در سده‌های اخیر در معرض مداخلات و رقابتهای قدرتهای بزرگ قرار داشته و از سیاستهای آنها آسیبهای فراوان دیده است، هیچگاه مناسبات دوستانه و دیرینه خود را با ماوراءالنهر از یاد نبرده و علیرغم فترت تحمیلی در قرن حاضر، همواره بر حسن روابط با کشورهای منطقه تأکید کرده و می‌کند. از آنجا که مشکلات بالفعل و بالقوه منطقه حاصل سیاستهای خاص و بعضاً تحمیلی می‌باشد و ریشه در ادوار شکوفایی اقتصادی ایران و ماوراءالنهر ندارد، موضوعی بسیار حساس و قابل بررسی است. امید می‌رود کلیه واحدهای سیاسی منطقه با نگرش به سوابق و نتایج ارتباطات اقتصادی و فرهنگی گذشته و تجاربی که از قدیم‌الایام به ویژه در چهار سده اخیر به دست آورده‌اند، باندیشه‌ای نو و دیدگاههای تازه، به دور از تعصبات قومی که تحت‌الشعاع موقعیت جغرافیایی و توسعه اقتصادی منطقه است، گامهای جدی برای تحقق اهداف نوین در حوزه روابط ایران و ماوراءالنهر بردارند. باشد که از رهگذر نگرشی جدید به این مناسبات موجبات تفاهم و همکاری بیشتر دول دوست و همجوار فراهم و مردم پرتلاش منطقه از این نزدیکی و همفکری بهره‌کافی بدست آورند.